

در این شماره می خوانید:

۵ تدوین جایگاه نظام احکام اقتصادی

۹ الگوی روش‌شناسی تبدیل امر اجتماعی به امر تمدنی

۱۶ سطوح تفسیر دلالتی در تفسیر سازوکاری

۱۸ خودبانی رشد با دعای ابوحمزه

۲۲ روش‌شناسی سیستمی و تاریخت روش

۳۲ نظام مسائل دوره گذار فقه و ولایت فقه- فقیه

۳۵ محمد فاضلی و نظریه پیشرفت



خبرنامه داخلی

مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)
سال هشتم، شماره دهم، اسفند ۱۳۹۹

به نام خداوندگار حکمت تغییر

پیش حکایت

چالش‌های معاصر جبهان ایرانی به پیوست مسائل ساختاری و پارادایمی نظام رسیده است. چونان چند شماره اخیر حکایت نظر مدخل و مفصلی در میان این مسائل ساختاری و پارادایمی در ایده ولایت فقه نظام و ولایت فقه - فقیه ضروری برای طرح نظر است. ایده ولایت فقه در نوبتی تازه و این نوبت از چشم‌انداز دوگانه نظریه و نظام پژوهی جمهوری اسلامی ایران و ظهور انقلاب پارادایمی در اندیشه مرجع پیشرفت و در این راستا و در برآیند این دو، ظهور ایده فقه نظام به میان آمده است و در عقبه اندیشه‌ای آن ایده فقه نظام طرح گردیده است. فقه در این چشم‌انداز و با لحاظ ولایت‌مندی آن، دانش مبنای تدبیر تحول توسعه‌ای، در راستای رهسپاری به اندیشه و نظریه تحول تمدنی است.

شماره دهم نشریه (سال هشتم) در معرض نظر است. فهرست این مباحث را در نظر آوریم و به یکی از راهبردی‌ترین مأموریت‌های مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) در تبیین نظریه فقه نظام و ولایت فقه توجه کنیم و از این چشم‌انداز، نمونه مباحث این شماره را در عیار تحلیل آوریم. گزارش دستاوردهای اسفند ۱۳۹۹ مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) در پروژه‌های برجسته هر گروه پژوهشی در این فرصت مرور می‌شود.

۱. در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنای دو گزارش «ضرورت تعریف فلسفه دین» و «نظریه علم دینی» معرفی می‌شود؛

۲. در گروه پژوهش تفسیری فرازهای گام تازه پژوهش در «فلسفه عبودیت» با سوره بقره، «تدوین جایگاه نظام احکام اقتصادی» با سوره نساء، «سوره انعام: تفسیر آیات ۱۲ تا ۱۴»، «گذار از بحران در ظهور تاریخت» با سوره انفال، «الگوی روش‌شناسی تبدیل امر اجتماعی به امر تمدنی» با سوره توبه، «رهسپاری به ویرایش فرانظریه فرآیند تمدنی»، «پیش‌گفتار کتاب تنزیل»، «سطوح تفسیر دلالتی در تفسیر سازوکاری» و «روند اجتهاد در نظریه شهید صدر رحمته» مرور می‌شود؛

۳. در گروه اخلاق و سبک زندگی با گزارش «شرح دعای بیست و پنجم» با صحیفه سجاده و نیز گزارش «خودبانی رشد با دعای ابوحمزه» پیش روست؛

۴. گروه پژوهشی فقه و حقوق نیز «مناسبات فقه و علوم انسانی»، «فلسفه قرآنی فقه با سوره بقره» و «روش‌شناسی سیستمی و تاریخت روش» را آغاز نموده است؛

۵. گروه پژوهش علوم انسانی در این مرحله از کتاب «گفتگوهای اقتدار توسعه‌ای علوم انسانی» به «الگوی کاربردی سازی علوم انسانی دین‌شناخت در سطح اندیشه و عمل عامه» نظر افکنده است؛

۶. در گروه تحقیق و توسعه و مطالعات راهبردی بحث تدابیر سند الگوی پایه پیشرفت در گزارش «رسالت، افق و تدابیر پیش‌ران در قرارداد ملی پیشرفت» و هم‌چنین سه گزارش «در آستانه مدرنیته درون‌زای ایرانی»، «گامی در تبیین سازواره‌ای سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» و «نظام مسائل دوره گذار فقه و ولایت فقه - فقیه» در دستور تأمل است؛

۷. در گروه پژوهش‌های هنری گزارش «سطوح مطالعات فرادوبعدی شهر» معرفی می‌شود؛

۸. انجمن علمی هم‌اندیشی پیشرفت در فرصت خویش به «محمد فاضلی و نظریه پیشرفت» پرداخت.

دبیر علمی

پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا، در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، با نظر به دو دستاورد این گروه، پروژه «ضرورت تعریف فلسفه دین» معرفی می‌شود که در راستای مباحث فلسفه دین با ویرایش تازه‌ای روبرو می‌شود و گزارش «نظریه علم دینی» نیز در دستور تأمل آمده است.

توضیح پیشنهادی اخیر بایسته است به کلام در عصر جدید تبدیل تعبیر یابد؛ به این معنا که از گستره‌ای از علم کلام سخن بگوییم که در موضوع مباحث جدیدی چونان فلسفه دین، مباحث فلسفه مضاف چونان مبانی کلامی در حوزه جامعه‌شناخت یا پارادایم فمینیسم یا مبانی فلسفه ولایت فقیه ناظر به حوزه فلسفه چگونگی ورود می‌نماید.

گفتنی است کلام در عصر قدیم به طور عمده معطوف به فلسفه چیستی بوده و از مطلقات وجود از منظر دفاعیات اعتقادی سخن گفته است. در این چشم‌انداز فلسفه دین در ذیل دانش کلام فصلی درون‌متنی‌ای از مباحث فلسفه دین در روزگار معاصر است، در

ویرایش برگزیده این قلم از آن روی که عقل به مثابه منبع و دلیل دین الهیاتی پذیرفته شده است، در اساس ماهیت مباحث کلامی صبغه و مدخل بیرون‌متنی نیز می‌تواند داشته باشد و به همراه مباحث درون‌متنی به یک‌جا در ساحات هم‌اندیشی رفت و برگشتی میان این دو صبغه جای داشته باشد.

نکته اصیل در این میان آن است که منبع اصیل علم فلسفه و کلام عقل است و ساحت نقل یا حجت ظاهر مضربی به ساحت عقل یا حجت باطن است؛ بلی! می‌توان عقل مستقل از نقل، همان‌گونه که نقل مستقل از عقل؛ البته این رخ‌دادی است که در تاریخ مجادلات فلاسفه و اخباریون، معتزله و اشاعره رخ نموده است اما ساحت دین مصطفایی - مرتضایی از این دوگانگی عقل و نقل فراتر است. وصفی از عصر پسامدرنیته جهان اسلام، به میان آمدن رفت و برگشتی دو عرصه عقل و نقل است که در این راستا از جمله فرصت ظهور، ویرایش تازه‌ای از فلسفه اصول می‌رسد.

و نقل فراتر است. وصفی از عصر پسامدرنیته جهان اسلام، به میان آمدن رفت و برگشتی دو عرصه عقل و نقل است که در این راستا از جمله فرصت ظهور، ویرایش تازه‌ای از فلسفه اصول می‌رسد. ترکیب دو اندیشمند علامه جوادی آملی و استاد شهید صدر مدخلی بر ظهور کلام در عصر جدید می‌تواند باشد.

ضرورت
تعریف
فلسفه دین

سلسله نشست‌های انجمن «جهان دینی - جهان جدید» در این حوزه در گام اسفند ماه در بازخوانی فهرست کتاب، بحث از تعریف فلسفه دین و کلام و کلام جدید و کلام فلسفی را در دستور کار خود داشت.

روشن‌شدن حوزه معرفتی مسئله مورد پژوهش و چیستی آن مسئله، بحثی فراتر از آن علم و بر اساس اصول و مبانی علم‌شناسی صورت می‌گیرد، فلسفه دین از رشته‌های جدید غربی است که گاهی با عنوان کلام فلسفی خوانده شده است. واژه علم کلام در نزد اندیشمندان مسلمان سیر تاریخی خودویژه‌ای دارد؛ اندیشمندانی چون فارابی، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، غزالی، قطب‌الدین شیرازی، علامه حلی، تاشهید مطهری.

در تعریف باید به موضوع و غایت و روش این دانش توجه کرد. دانش کلام، دانش پژوهش دفاعی از آموزه‌های فلسفی دین برگزیده است، اصطلاح دانش یادشده در دوره معاصر تحول علم، انسان و

اجتماع در کوران رخ‌دادهای گسترده بازخوانی‌های دانش فلسفه چونان ظهور پژوهش‌های پارادایمی، ظهور فلسفه‌های مضاف، افزونی فلسفه چگونگی به فلسفه چیستی و چرایی قرار گرفته و برخی کوشش‌مندان دانش مزبور با ناگزیری ویرایشی دوباره از این دانش، در ساحت رخ‌دادهای یادشده در آمیختن مباحث این دانش با موضوعات جدید منجر به طرح واژه کلام جدید شده است که با



معتقد است این کلمه معانی و کاربردهای گوناگونی دارد؛ از جمله:

۱. مجموعه انباشته‌ای از قضایای مرتبط و مدون دارای موضوعات تجربه‌پذیر حسی: گفتنی است که بر اثر غلبه تجربه‌گرایی بر ادبیات علمی سده‌های اخیر فرنگ و دل‌دادگان فرهنگ غربی، اکنون «علم» تنها به علم تجربی (Science) اطلاق می‌شود. «معرفت» نیز معادل واژه انگلیسی «Knowledge» و واژه یونانی «Episteme» نگاشته می‌شود.

نقد: این قسم معرفت در عرصه دانش غربی نیز معادل Knowledge گرفته نشده است. هم‌چنان که معادل اپیستمه نیز گرفته نشده است. Knowledge از Episteme متفاوت است و لحاظ معرفت تجربه‌پذیر به مفهوم اطلاق آن بر کل حوزه‌های دانشی نیست. تنها جریان پارادایمی پوزیتیویستی گویای اندیشه غرب نیست و فهم تجربه‌پذیر لزوماً به پارادایم پوزیتیویستی ارجاع نمی‌شود. معادل‌انگاری فهم تجربه‌پذیر با فهم پوزیتیویستی یک خطای فلسفه معرفتی است؛

۲. مجموعه انباشته‌ای از قضایای کلی یا جزئی مرتبط مدون: بر اساس این اصطلاح، مجموعه اطلاعات انباشته تدوین شده در زمینه‌هایی مانند تاریخ نقلی یا جغرافیا نیز علم به شمار می‌روند.

نقد: تعریف علم به مجموعه دانش‌های کلی (هر چه که هست).

۳. «معرفت دستگاه‌وار» متشکل از «مجموعه قضایا یا قیاسات سازوار دارای نقطه ثقل» و «محور مشترک» برساخته بر «مبادی» مشخص و برخوردار از «منطق موجه» که برای دستیابی به «غایت واحد» یا «غایات هم‌ساز» صورت بسته باشد.

نقد: این تعریف، تعریفی کلی برای مفهوم علم است که می‌تواند هم شامل هر کدام از حوزه‌های معرفتی چونان معرفت تجربه‌پذیر یا معرفت تجربیدی باشد و بدین‌سان تعبیر علم، مضاف برای انواع حوزه‌های معرفتی باشد. این تعریف قسیم دو تعریف بالا از علم نیست؛ بلکه نظام‌واره‌سازی تعریف دوم است که می‌تواند بر تعریف اول نیز صدق کند. این تعریف معادل واژه Knowledge در غرب است که با همین ساختار تعریف شده است.

در نقد کلی بر تعریف ایشان از علم، می‌توان از علم یک فراتعریف ارائه داد: «معرفت دستگاه‌وار در همه حوزه‌های شناخت مستند به تکاپوی عقل» متشکل از «مجموعه قضایا یا قیاسات سازوار دارای نقطه ثقل» و «محور مشترک در استنباط از منابع برگزیده شناختی» برساخته بر «مبادی» مشخص و روشمند و برخوردار از «منطق موجه بر اساس پارادایم برگزیده علم در دو ساحت حدافلی فرامنبعی (منطق مشترک) و منبعی (چونان تجربی)» که برای دستیابی به «غایت واحد» یا «غایات هم‌ساز برگزیده در حوزه‌های شناختی گوناگون، ادراکات حقیقی، اعتباری و وجدانی» جاری در کانون زیستمان انسانی صورت بسته باشد.

“ معرفت دستگاه‌وار در همه حوزه‌های شناخت مستند به تکاپوی عقل” متشکل از «مجموعه قضایا یا قیاسات سازوار دارای نقطه ثقل» و «محور مشترک در استنباط از منابع برگزیده شناختی» برساخته بر «مبادی» مشخص و روشمند و برخوردار از «منطق موجه بر اساس پارادایم برگزیده علم در دو ساحت حدافلی فرامنبعی (منطق مشترک) و منبعی (چونان علم اصول یا منطق پژوهش تجربی)» که برای دستیابی به «غایت واحد» یا «غایات هم‌ساز برگزیده در حوزه‌های شناختی گوناگون، ادراکات حقیقی، اعتباری و وجدانی» جاری در کانون زیستمان انسانی صورت بسته باشد.

در پروژه پژوهشی پارادایم اجتهاد تفسیری بخش دوم این اثر با عنوان «نظریه علم دینی» در دستور کار قرار گرفت. در این بخش ابتدا نظریات علم دینی اندیشمندان مختلف مورد بررسی قرار گرفته و سپس با نقد آن‌ها نظریه پیشنهادی طرح می‌شود. در اولین گام نظریه علم دینی آیت‌الله رشاد مورد تأمل قرار گرفت:

علم دینی بر اساس نظریه مختار آقای رشاد، از لحاظ منابع «کثرت‌گرا» و «آمیخت‌ساختگان»، از حیث معرفت‌شناسی «واقع‌گرا» و «واقع‌نما»، از نظر منطق «دیالکتیک-دینامیکال» (هم‌افزا و پیوسته‌پویا، انبوه‌شونده و فرگشت‌یابنده)، از جنبه سنجش‌وری «آزمون‌پذیر» و تصحیح‌شونده از نقطه نظر ارزشی «اخلاق‌مدار» و «غیربحران‌زا» (هرچند به لحاظ گزاره‌ها می‌تواند احیاناً خط‌پذیر باشد؛ اما

از جهات «مبانی»، «منابع»، «موضوع» و «مقاصد و غایات» مقدس است) و سرانجام این‌که علم دینی، بخشی از «معرفت دینی بالمعنی الأعم» قلمداد می‌شود.

«این نظریه با توجه به این مبنا که «مؤلفه‌های خمسه علم دینی» (مبادی، موضوع، «منابع-منطق»، غایت، مسائل آن) متناظر به «اصول اربعه نظریه ابنتا» فرآیندمندی و برآیندوارگی معرفت، پیام‌گونگی دین و وابستگی وثیق تحصیل معرفت صائب جامع) به کشف و کاربرد صائب جامع مبادی خمسه معرفت دینی و به مثابه برآیند مختصات مبادی مبادی» در نقد بر این نظر می‌توان گفت:

۱. نظریه ابنتا همان نظریه قبض و بسط معرفت سروش است؛

۲. مؤلفه‌های چهارگانه، تمامی مؤلفه‌های قبض و بسط معرفت نیستند؛

۳. مبادی معرفت دینی همان پارادایم هستند که باید مؤلفه‌های دیگری چون ارزش‌شناسی، زیباشناسی، هستی‌شناسی، فلسفه دین و روش‌شناسی را نیز افزود.

رشاد به منظور تبیین نظریه خود به اجمالی درباره کلمات پرکاربرد، به ویژه «علم»، «دین» و نیز «نسبت و مناسبات علم و دین» (مبادی تصویری و تصدیقی نظریه) پرداخته است. در ادامه به تبیین معنای کلمه علم پرداخته می‌شود.

رشاد در تعریف کلمه «علم»



پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی)

دبیر علمی: رضوانه دستجانی

گروه مطالعات تفسیری، در بخشی از تکاپوی دانشی خود، پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع تفسیری به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی) را در دستور هم‌اندیشی، پژوهش و تألیف دارد و برای نمونه، در این شماره، نه گزارش «فلسفه عبودیت»، «تدوین جایگاه نظام احکام اقتصادی»، «سوره انعام: تفسیر آیات ۱۲ تا ۱۴»، «گذار از بحران در ظهور تاریخت»، «الگوی روش‌شناسی تبدیل امر اجتماعی به امر تمدنی»، «رهسپاری به ویرایش فرانتزیه فرآیند تمدنی»، «پیش‌گفتار کتاب تنزیل»، «سطوح تفسیر دلالی در تفسیر سازوکاری» و «روند اجتهاد در نظریه شهید صدر رحمته» به معرض نظر می‌آید.

۱. یک وجه فلسفه عبودیت، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و امکاناتی است که به خاطر آدمی و هماهنگی با این پدیدار انسانی در سطحی فراتر از لذت و رفاه فراهم شده است. فرصت‌ها و ظرفیت‌ها و امکاناتی که در تناسب با یک‌دیگر برای آدمی و جاری در وجود وی هستند؛

۲. خدای دین مصطفایی با خدای دین طبیعی حضور خویش را آغاز می‌کند. میان‌داری را برای معنی‌داری زندگی در متن معنای زندگی نیازمندیم. او خداست. اوصاف الهیاتی و انبیایی او در دین قرآنی، نبوی و اوصیایی در دسترس می‌آید.

وَاِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلٰی عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ
وَ اَدْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۳)

۱. و باز بازگشت به آیات آغازین که آن کتاب هدایت، کتاب ممتاز دین مصطفایی است. کتاب نازل شده الهی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و نشانه بالغ‌ترین سطح ممکن الگوی زیستی با نماد و نمود در سنت زیستی مصطفای رسول صلی الله علیه و آله؛

۲. ظهور عبودیت به مثابه بالغ‌ترین رسم زندگی در عینیت امر انسانی و مصطفای رسول صلی الله علیه و آله نماد و نمود عینیت این عبودیت و بدین‌سان عیاری برای نقد سطح وجودی و زیستی آدمیان. رسول خدا صلی الله علیه و آله عبد است؛ آن هم سالکی که تنها برای اوست و وصف «عبدنا» برای خود دارد.

فَاِنْ لَّمْ تَفْعَلُوْا وَلٰكِنْ تَفْعَلُوْا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِيْ وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَ
الْحِجَارَةُ اُعِدَّتْ لِلْكَافِرِيْنَ (۲۴)

۱. کتاب کریم، کتاب هدایت به رشد بر مدار لحاظ حق انتخاب و اصل اراده‌ورزی انسانی است. قرآن کریم کتاب هدایت به رشد پیش روی

فلسفه
عبودیت

در سلسله نشست‌های تفسیری سوره بقره با محور کلی الگوی خودبانی رشد، به تفسیر آیات ۲۱ تا ۲۶ این سوره پرداخته شد. به برخی از برداشت‌های تفسیری ذیل این آیات اشاره می‌شود:

یا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲۱)

۱. سوره بقره سوره تفصیل فقه دینی سوره حمد به مدد فقه مقاصدی به عینیت بخشی در فقه نظام حکم و پیشنهاد الگوی پایه تدبیر توسعه امر اجتماعی تا سطح ظهور فرآیند تمدنی است؛

۲. فاعلیت امر تغییر و تحول در تجربه تحقق الگوی خودبانی رشد با سامان عمومی فاعلان اجتماعی است. مخاطب

اول در آموزگاری قرآن کریم جمع مردمان است و نه نخبگان اندیشه‌ای و نه نخبگان حاکمیتی. بدنه تعیین‌کننده تغییر امر اجتماعی و تحول امر تمدنی فاعلان عمومی اجتماعی‌اند؛

۳. عبودیت برگزینی، نظارت و پایش مستمر محرک‌ها و چرایی‌های زندگی در رهسپاری به چگونگی‌هاست. عبودیت مؤلفه مدارین و راهبردی خودبانی رشد است.

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلّٰهِ
أُنْدَادًا وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۲)